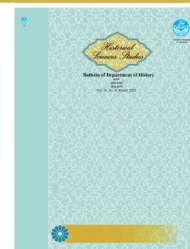




Journal of Historical Sciences Studies (JHSS)



Research Paper

doi 10.22059/jhss.2023.350331.473602

Sufis' Sect and Estate in Iran and India In the 9-7 AH (Cheshtiyeh, Kobraviyyeh, Kazeruniyyeh and Sohravardiyyeh)

Masoumeh Hadi¹, Mohsen Rahmati^{*,2}, Jahanbakhsh Savaqeb³, Mojtaba Gravand⁴

1. Ph.D in History of Iran after Islam, Lorestan University, Lorestan, Iran. E-Mail: hadi.ma@fh.lu.ac.ir
2. Corresponding Author, Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Lorestan, Iran. E-mail: rahmati.mo@lu.ac.ir
3. Professor of History, University of Lorestan, Lorestan, Iran. E-Mail: jahan_savagheb@yahoo.com
4. Assistant Professor of History, University of Lorestan, Lorestan, Iran. E-Mail: garavand.m@lu.ac.ir

Article Info.

Received: 2022/10/23

Accepted: 2023/01/16

Keywords:

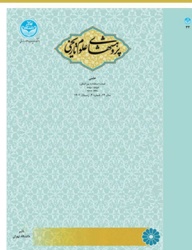
India, Iran, Khanqah, landholding, Sufism

Abstract

There were many Sufi orders in a wide area of India and Iran in the 7th-9th centuries. Sufis, who were known as a symbol of asceticism and worldliness, were engaged in austerity and self-cultivation by withdrawing from the world and settling in a *Khanqah* "monastery". Providing for the living expenses of the *Khanqah* residents was the responsibility of the murshid, which was realized in different ways, one of which was estate and land ownership. Since most of these estates were given to the monastery by the sultans, and because working on the land was somehow considered an obstacle to austerity, accepting or rejecting these grants as well as land ownership became an issue for the Sufis, who had different sects, attitudes and practices. They expressed different opinions about this. . By descriptive and analytical method, this Study, seeks to answer the question that the attitude of the Sufis of the mentioned *tariqas* in India and Iran in the 7th-9th centuries AD. How was it related to land ownership and the income from it? This study is based on the hypothesis that there was no necessary harmony between the theoretical teachings and the practical behavior of the *sheikhs* of the *Tariqas* in the 7th and 9th centuries of Hijri in Iran and India; As the *sheikhs* of the three of studied *tariqas* (i.e, *Cheshtiyeh*, *Kobraviyyeh* and *Sohravardiyyeh*), by deviating from the theoretical teachings based on recommending the disciples to religious practices and asceticism, in order to finance the expenses of their *Khanqahs*, they tended to land ownership, but the performance of the *sheikhs* of *Kazeruniyyeh* was different from the other three sects.

How To Cite: Hadi M, Rahmati, M, Jahanbakhsh S. Gravand M(2022). Sufis' sect and estate in Iran and India in the 9-7 AH (Cheshtiyeh, Kobraviyyeh, Kazeruniyyeh and Sohravardiyyeh), Journal of Historical Sciences Studies.

Publisher: University of Tehran Press.



بررسی نگرش صوفیان ایران و هند به زمین و زمین‌داری به عنوان یکی از منابع درآمد خانقاه در سده‌های ۷-۹ (مطالعه موردی: طریقت‌های چشتیه، کبرویه، کازرونیه و سهروردیه)

معصومه هادی^۱، محسن رحمتی^۲، جهانبخش ثواقب^۳، مجتبی گراوند^۴

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. رایانامه: Hadi.ma@fh.lu.ac.ir

۲. (نویسنده مسئول) استاد گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. رایانامه: rahmati.mo@lu.ac.ir

۳. استاد گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. رایانامه: jahan_savagheb@yahoo.com

۴. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. رایانامه: garavand.m@lu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱	<p>در گستره وسیعی از هند و ایران در قرون ۷-۹ق طریقت‌های صوفیانه متعددی حضور داشتند. صوفیان که به‌عنوان نمادی از زهدگرایی و دنیاگریزی شناخته می‌شدند با کناره‌گیری از دنیا و استقرار در خانقاه، به ریاضت و تزکیه نفس اشتغال داشتند. تأمین هزینه‌های معیشتی ساکنان خانقاه بر عهده مرشد بود که با طرق مختلف محقق می‌گشت که یکی از آنها زمین‌داری بود. از آنجا که اکثر این زمین‌ها از سوی سلاطین به خانقاه واگذار می‌شد و هم اینکه کار بر روی زمین، به نحوی مانع ریاضت محسوب می‌شد، پذیرش یا ردّ این بخشش‌ها و همچنین زمین‌داری به عنوان یک مسأله برای صوفیان درآمد که طریقت‌های مختلف، نگرش و شیوه‌های متفاوتی را در این باره ابراز داشتند. پژوهش حاضر با شیوه توصیفی تحلیلی، در پی پاسخ به این پرسش است که نگرش صوفیان طریقت‌های نامبرده در هند و ایران در قرون ۷-۹ق. به زمین‌داری و عواید حاصل از آن به چه صورت بود؟ اساس این پژوهش براین فرض استوار است که در قرون ۷ تا ۹ هجری ایران و هند، بین تعالیم نظری و سیرت عملی مرشدان طریقت، هماهنگی لازم وجود نداشت؛ چنانکه شیوخ سه مورد از طریقت‌های مورد مطالعه (یعنی چشتیه، سهروردیه و کبرویه)، با عدول از تعالیم نظری مبتنی بر توصیه مریدان به تشرع و زهدگرایی، برای تأمین هزینه‌های خانقاه‌های خود، به لحاظ عملی، به زمین‌داری گرایش پیدا کردند ولی عملکرد مشایخ کازرونیه با سه فرقه دیگر تفاوت داشت.</p>
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶	
واژه‌های کلیدی:	
ایران، تصوف، خانقاه، زمین‌داری، هند.	
استناد به این مقاله: هادی، معصومه، رحمتی، محسن، ثواقب، جهانبخش، گراوند، مجتبی (۱۴۰۱). بررسی نگرش صوفیان ایران و هند به زمین و زمین‌داری به عنوان یکی از منابع درآمد خانقاه در سده های ۷-۹. نشریه پژوهش‌های علوم تاریخی.	
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.	

مقدمه

تصوف به عنوان پدیده‌ای مذهبی- اجتماعی در سراسر جامعه اسلامی گسترش یافت. در فرهنگ اسلامی، صوفیان نمادی از زهدگرایی بودند که از توجه به این جهان و زندگی مادی چشم پوشیده، آن را مانع رستگاری می‌دانستند. بر اساس روایات موجود، معمولاً صوفیان یا در بیابان‌ها سرگردان بودند یا در گورستان‌ها و خرابه‌های شهری به سر می‌بردند و گاه‌گاه، به میان خلق آمده، به موعظه، انذار و نهی از منکر می‌پرداختند. در جامعه اسلامی زاهد/صوفی، شخصیتی بود که با بریدن از جهان مادی، سرگرم عبادت و راز و نیازهای شبانه بوده‌است. چنین سیمایی که حول صوفیان به وجود آمده امکان تأمل در باب جنبه‌های حیات اقتصادی آنها را سالبه به‌انتفاء موضوع می‌داند، اما غور در رفتارهای صوفیان از قرن سوم تا نهم قمری چنین نگرشی را از حیز انتفاع ساقط می‌سازد.

شواهدی از تجمل‌های افراطی، برنامه‌های پر هزینه، سفره‌های متلون و انبارهای غله صوفیان در دست است که در تحقیقات جدید کمتر به آنها توجه شده است. بالطبع، صوفیان به معنای ساکنان و میهمانان خانقاه‌ها، نیازهای مادی- معیشتی داشتند که رفع آنها برعهده شیخ یا مرشد خانقاه بود. برخی محققان، نشان داده‌اند که در قرون نخستین اسلامی، مشایخ و صوفیان از طرق مختلف همچون کسب و کار، دریوزگی، وام ستاندن، بهره‌مندی از اوقاف، زنبیل‌گردانی و برخورداری از کمک‌های مردمی یا حکومتی که در ادبیات تصوف از آنها با عناوین مختلف همچون «فتوح»، «هدایا» و «نذورات» یاد شده، هزینه‌های مربوط به خود، پیروان و خانقاه را تأمین می‌کرده‌اند (نک: صیامیان‌گرگی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۱-۷۸؛ طباطبایی و حاجی‌شعبانیان، ۱۳۹۸: ۱۵۰-۱۶۵).

از قرن پنجم به بعد، روش‌های دیگری هم برای تأمین هزینه خانقاه‌ها ایجاد شد که یکی از آنها، زمین، کشاورزی و عواید حاصل از آن است. تغییر نگرش صوفیان به زمین‌داری و پیوند آنها با زمین به‌عنوان پدیداری اقتصادی از قرن ششم به بعد، به‌تدریج در جهان اسلام به اشکال مختلف بروز یافت. در گستره وسیعی از هند و ایران در قرون ۷-۹ق. طریقت‌های صوفیانه چشتیه، کبرویه، سهروردیه و کازرونیه در کنار دیگر طریقت‌ها و جریان‌های صوفی حضور داشتند و از طرق مختلفی در صدد رفع حوایج اقتصادی خود بودند که یکی از این طرق، زمین‌داری بود. در این پژوهش کوشش می‌شود که تا حد امکان، پاسخ روشنی به پرسش‌های ذیل ارائه شود که نگرش صوفیان طریقت‌های نامبرده در هند و ایران در قرون ۷-۹ق. به زمین‌داری و عواید حاصل از آن به چه صورت بود؟ چه نسبتی میان نگرش صوفیان به زمین‌داری از لحاظ نظری و عملی وجود داشته‌است؟

داده‌های مرتبط با رفتارشناسی صوفیان، به‌صورت نامتوازی ارائه شده‌اند؛ چنان‌که در باب برخی از طریقت‌ها نظیر چشتیه مطالب فراوان و در باب کازرونیه داده‌های اندکی در دست است. داده‌های موجود در باب زمین‌داری صوفیان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ یک دسته که بیشترین حجم را

دارد، در باب تعامل صوفیان و نحوه برخورد آنها با زمین‌هایی است که در اختیار آنها قرار داده شده بود و دسته دیگر در باب اهمیت، کارکرد و درآمد زمین‌ها است. در منابع موجود، مکان این زمین‌ها و روستاها به‌دقت مشخص نشده است. همچنین، تفاوت‌های روستاها با یکدیگر نیز مدّ نظر قرار نگرفته و از میزان درآمد احتمالی خانقاه از این روستاها، چیزی گفته نشده است. از این رو نمی‌توان به‌صورت آماری به شرح و بسط این موضوع پرداخت ولی با توجه به شناختی که از آن مقطع از تاریخ و تصوف هند و ایران در دست است، فقط می‌توان جمع‌بندی‌ای کیفی از مآوقع به‌دست داد. علاوه بر این، گزارشی در باب نحوه تأمین هزینه خانقاه از طریق مصرف مستقیم محصول مزرعه یا فروش آن در دست نیست. همچنین در منابع صوفیانه، مسئولیت رسیدگی به امور زمین، شیوه اداره زمین‌ها، چگونگی کشت، داشت و برداشت آنها، انتقال محصول به مکان‌های تعبیه شده، فروش یا مبادله محصول و بسیاری از دیگر امور مرتبط با این قضیه، مغفول مانده است؛ چنان‌که حتی معلوم نیست که آیا خانقاه مرکزی مسئول رسیدگی به امور زمین‌ها بوده یا زمین‌های هر ناحیه با خانقاه محلی در پیوند بوده است. علاوه بر این، از آنجا که در دوره زمانی مورد بحث، مهمترین منبع بخشش یا اعطای مالکیت زمین به صوفیان، حکمرانان یا نهاد قدرت بوده است، نگرش به زمین‌داری در نزد صوفیان چنان با نگرش آنها نسبت به روابط با نهاد قدرت در هم تنیده است که جدا ساختن آن دو از یکدیگر دشوار و در برخی موارد حتی غیرممکن است.

تاکنون تحقیقات متعددی درباره خانقاه، تصوف، صوفیان، تعلیم و آموزه‌ها، شخصیت‌ها و بزرگان هر فرقه، روابط فرهنگی و فکری میان این فرق و روابط آنها با امرا و سلاطین در سراسر جهان اسلام، به ویژه ایران و شبه‌قاره هند صورت گرفته که هر کدام از آنها به نحوی پیشینه این پژوهش به شمار می‌آیند ولی فقط در تعداد اندکی از این تحقیقات، به مسایل اقتصادی صوفیان عطف توجه شده است که مستقیماً با موضوع مقاله حاضر مرتبط هستند:

کاوتس (۱۳۹۲) ضمن بررسی جایگاه طریقت کازرونیه در مناسبات فرهنگی و اقتصادی ایران با سرزمین‌های واقع در پیرامون اقیانوس هند، کارکرد اقتصادی- فرهنگی آن را تبیین کرده است. خیراندیش و رحیمی جابری (۱۳۹۸) به اختصار درباره نقش رویکرد اقتصادی و تجاری طریقت کازرونیه در گسترش تعلیم آن طریقت سخن گفته‌اند. صیامیان‌گرچی و همکاران (۱۳۹۵) شیوه‌های تأمین هزینه و کسب درآمد در خانقاه قبل از قرن هفتم را بر شمرده ولی درباره زمین‌داری و نقش آن در تأمین هزینه صوفیان (جز اشاره مختصر به خانقاه ابوالحسن خرقانی و بعدها شیخ زاهد گیلانی) ساکت است. طباطبایی و حاجی‌شعبانیان (۱۳۹۸) نیز به رغم پژوهش در شیوه‌های امرار معاش صوفیان قبل از قرن ششم، درباره زمین‌داری و نقش آن در تأمین مایحتاج صوفیان ساکت‌اند. مظاهری (۱۳۹۴) در تبیین آموزه‌های عرفانی عارفان و صوفیان مسلمان، فقط چند سطر را به اهمیت زمین و آباد کردن آن

در نزد صوفیه اختصاص داده است ولی به جزئیات آن نمی‌پردازد. طاهری (۱۳۹۴) در بررسی جریان تصوف در شبه‌قاره و معرفی فرقه چشتیه، مطالب بسیار مختصری را درباره زمین و زمین‌داری در نزد این فرقه آورده است. همچنین معصومی و شیرازی (۱۳۹۲) مناسبات میان سلاطین دهلی با پیشوایان دو فرقه چشتیه و سهروردیه را مورد بررسی قرار داده‌اند که با توجه به پیوند عمیق بین نگرش صوفیان به زمین‌داری با بخشش‌های سلاطین و امراء به مشایخ صوفیه، می‌تواند به عنوان پیشینه مناسبی برای این پژوهش در نظر گرفته شود. هر چند، استغراق مؤلفان در تشریح همه جانبه مناسبات فیما بین شیوخ صوفیه با سلاطین، از تمرکز آنها بر بحث زمین‌داری صوفیان مانع شده است. بنابراین، چنانکه معلوم شد تا کنون نگرش صوفیان به زمین‌داری در راستای تأمین هزینه‌های خانقاه به تفصیل مورد بررسی قرار نگرفته است. در ادامه به ترتیب نگرش هریک از فرق مورد مطالعه در این باره، به تفکیک و به ترتیب تشریح و بررسی خواهد شد.

تصوف و فرق آن

تصوف به عنوان یکی جریان قدرتمند اجتماعی- فرهنگی در جامعه اسلامی بود که از اواسط قرن دوم به بعد، دچار افتراق و دسته‌بندی شد؛ چنانکه به رغم اشتراک در مقصود نهایی، شیوخ متصوفه، به لحاظ عملی، هر کدام مسیری متفاوت را برای رسیدن به کمال برگزیدند. لذا فرق صوفیانه متعدد به وجود آمدند که هر کدام با یک عنوان خاص و با نام مرشد اعظم آن شناخته می‌شوند. با توجه به نقش عظیم صوفیان در گسترش اسلام در استپ اوراسیا، هند، چین و جنوب شرق آسیا، و در عین حال، حفظ ارتباط خود با سرزمین مادری، یعنی ایران و بین‌النهرین، عملاً از قرن هفتم به بعد، تصوف به عنوان جریان غالب در جوامع اسلامی درآمد که عامل مهمی در پیوند و تبادل فرهنگی میان جوامع اسلامی به ویژه ایران و هند بودند. به رغم فزونی این فرق و گستردگی نقش آنها در تحولات فرهنگی و اجتماعی ایران و شبه‌قاره هند، در این مقال، به لحاظ محدودیت‌های پژوهش، فقط به معرفی چهار طریقت مورد مطالعه و تبیین رویکرد اقتصادی آنها نسبت به زمین و کشاورزی پرداخته خواهد شد.

۱. نگاهی اجمالی به طریقت‌های چشتیه، کبرویه، کازرونیه و سهروردیه

یکی از جریان‌های صوفیانه مهم و مؤثر در تاریخ ایران و شبه‌قاره هند، طریقت حنفی‌مذهب چشتیه است. این طریقت که نام خود را از منطقه چشت، از توابع هرات (اسفزاری، ۱۳۳۸: ج ۱: ۱۰۴)، وام گرفته، در اواخر قرن سوم توسط ابواسحاق شامی موسوم به «خواجه چشت» بنیان گذاشته شد و توسط جانشینان وی تداوم یافت (چشتی، ۱۳۸۶: ۵۷-۵۸، ۶۱-۶۲، ۷۱). اگر چه نخستین فرد از صوفیان این فرقه، خواجه ابو محمد بن ابی‌احمد چشتی بود که همراه با محمود غزنوی (حک: ۳۸۷-۴۲۱ق)، برای ترویج اسلام به شبه‌قاره رفت (جامی، ۱۳۹۰: ۳۲۴)، ولی رواج و رونق این طریقت در شبه‌قاره، مربوط

به دو قرن بعد و مرهون تلاش‌های خواجه معین‌الدین چشتی (۵۳۷-۶۳۲ق) است که در سال ۵۹۱ق به اجمیر هند رفت (علوی میرخورد، ۱۸۸۵: ۴۷، ۲۵).

طریقت کبرویه نیز یکی دیگر از فرق بزرگ متصوفه در ایران و هند در دوره مورد بررسی است که به نجم‌الدین کبری (۵۴۰-۶۱۸ق) منسوب است. بعد از درگذشت نجم‌الدین کبری، طریقت وی از مسیر تعداد زیادی از شاگردانش امتداد پیدا کرد. از بزرگان این طریقت، سعدالدین حمویه و پسرش صدرالدین ابراهیم، واسطه اسلام ایلخانان شدند (همدانی، ۱۹۴۰: ۷۶-۸۰). در نتیجه، این طریقت در دوران مسلمانی ایلخانان در ایران نیز اهمیت فراوان داشت. یکی دیگر از معروفترین مشایخ طریقت، سیف‌الدین باخرزی (۵۸۶-۶۵۹ق) است که در خانقاه خود در ماوراءالنهر و بخارا، واسطه مسلمان شدن خان الوس جوچی برکای خان (حک: ۶۵۵-۶۶۴ق) گشت (ابن خلدون، ۱۳۸۳: ج ۴: ۸۸۲). خلیفه و شاگرد سیف‌الدین، بدرالدین سمرقندی (د. ۷۱۶ق) نخستین فرد از این طریقت است که با استقرار در دهلی و تبلیغ عقاید خود، این فرقه را به هند منتقل ساخت و با توجه به گرایش خواجه رکن‌الدین فردوسی به این طریقت، این فرقه با نام فردوسیه مشهور شدند (مناقب‌الاصفیا، ۱۳۹۰: ۵۴-۵۵). بعدها، شعبه‌ای دیگر از این طریقت با نام همدانیه منسوب به میر سید علی همدانی (۷۱۴-۷۸۶ق) در کشمیر و بدخشان توسعه یافت (زرین‌کوب، ۱۳۶۲: ۱۷۸-۱۸۱).

طریقت سهروردیه که به شیخ ابوحفص سهروردی (ح. ۵۳۹-۶۳۲ق) و یا عموی وی ابو نجیب سهروردی (۴۹۰-۵۶۳ق) منتسب است، در قرن ششم در بغداد بنیان گذاشته شد ولی به سرعت در نواحی غربی، مرکزی و جنوبی ایران گسترش یافت. ورود این طریقت به شبه‌قاره هند مدیون تلاش‌های بهاء‌الدین زکریا مولتانی (۵۶۶ یا ۵۷۸-۶۶۱ یا ۶۶۶ق) است که توانست والی مولتان، ناصرالدین قباچه (حک: ۶۰۲-۶۲۵ق) را مرید خود سازد (محدث دهلوی، ۱۳۸۰: ۵۰-۵۱). از آن پس بر دایره هواداران و پیروان این طریقت در شبه‌قاره افزوده شد (جمالی دهلوی، ۱۳۱۱ق: ۱۷۱). دو ویژگی کلی این طریقت باعث تمایز آنها با سایر فرق صوفی می‌شد: یکی، تقید آنها به شریعت، زهدگرایی و عمل به فرائض دینی و همچنین پرهیز از سماع صوفیانه (سهروردی، ۱۴۲۷: ج ۱: ۹۰، ۲۲۷-۲۱۳؛ ج ۲: ۵۳۰) و دیگر توجه به سیر و سیاحت و همچنین علاقه آنها به برقراری روابط با سلاطین و حکمرانان که گردآوری ثروت را در خانقاه‌های این طریقت در پی داشت.

طریقت کازرونیه که با نام‌های مرشدیه و اسحاقیه نیز معروف است، در نیمه دوم سده چهارم هجری با مجاهدت ابواسحاق کازرونی (۳۵۲-۴۲۶ق) در ایالت فارس شکل گرفت ولی به تدریج در دیگر نواحی نیز گسترش یافت کرد؛ چنانکه از مغرب تا بین‌النهرین، آناتولی و شامات و از مشرق در سرزمین‌های ساحلی اقیانوس هند تا مالاکا، اندونزی و چین تسری پیدا کرد (ابن بطوطه، ۱۴۱۸: ۲۱۷-۲۱۸، ۴۵۳-۴۵۲، ۵۶۴، ۶۳۳؛ نیز نک: عرفانی‌واحد و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۶-۹۱؛ خیراندیش و

رحیمی‌جابری، ۱۳۹۸: ۲۴۱-۲۴۷)، ولی هسته مرکزی طریقت کازرونیه، به عنوان یکی از مهمترین طریقت‌های صوفیانه ایران و جهان اسلام، در ایالت فارس تداوم یافت. نفوذ این فرقه در شبه‌قاره مرهون مساعی شیخ صفی‌الدین برادرزاده ابواسحاق کازرونی است (دهلوی، ۱۳۷۷: ۶۲-۶۳؛ رضوی، ۱۳۸۰: ۱۳۵). اگر چه در آغاز قرن دهم، شاه اسماعیل صفوی (حک: ۹۰۷-۹۳۰ق) با تخریب بناها و کشتار بزرگان این طریقت، به کار آن پایان داد (جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴: ۱۸۸)، اما مورخان دربار گورکانی در قرن یازدهم هجری، همچنان نام این طریقت را در میان گروه‌های بزرگ صوفیه در شبه‌قاره ثبت کرده‌اند (علامی، ۱۸۸۲: ج ۲: ۲۰۳).

۲. طریقت چشتیه و زمین‌داری

طریقت شریعت‌محور چشتیه، قبل از قرن هفتم همچون سایر فرق تصوف، هزینه‌ها و مایحتاج خود را عمدتاً از طریق دريوزگی، «فتوح» (=هدایا) مردمی و دیگر طرق معمول در آن دوره تأمین می‌کردند (نک: صیامیان‌گرگی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۱-۷۸؛ طباطبایی و حاجی‌شعبانیان، ۱۳۹۸: ۱۵۰-۱۶۵)، اما از قرن هفتم به بعد، نیاز به کسب مشروعیت و مقبولیت اجتماعی، حکمرانان را به نزدیکی با صوفیان و خانقاه‌ها سوق داد (نک: معصومی و شیرازی، ۱۳۹۲: ۱۱۱ و بعد). این سلاطین که عمدتاً مالکیت بخش‌های وسیعی از اراضی کشاورزی را در اختیار داشتند، «فتوح» خود به خانقاه را در قالب زمین تقدیم می‌کردند. گسترش این روند بعد از قرن هفتم، به تدریج، زمین‌داری را به عنوان یکی از مهمترین روش‌های تأمین هزینه‌های خانقاه مبدل ساخت. به‌نظر می‌رسد قبل از این زمان، هنوز استفاده از زمین و دریافت یا عدم دریافت آن از سلاطین به مسئله‌ای برای صوفیان چشتی تبدیل نشده بود که شیوخ طریقت در باب آن موضع‌گیری مشخصی ارائه کنند. لذا در این طریقت، شیوه یکسانی در رابطه با پذیرش زمین از سوی سلاطین، مراعات نمی‌شده‌است. گزارش‌های موجود نوعی دوگانگی در برخورد مشایخ چشتیه با این زمین‌های اهدایی را نشان می‌دهد؛ چنانکه گاهی چنین عطایایی از طرف سلاطین هندی (و نه ایرانی) را دریافت کرده‌اند و گاهی آن را نپذیرفته‌اند. تعمق بیشتر در متون نشان می‌دهد که این دوگانگی در برخوردها از یکسو متأثر از روابط فیما بین خانقاه با سلاطین و از سوی دیگر مربوط به دوره‌های زمانی متفاوت است.

معین‌الدین چشتی (۵۳۷-۶۳۲ق)، از بزرگان این طریقت، زمین‌های زیادی در اختیار داشت. داستان اختلاف وی با مأموران خراج بر سر میزان خراج زمین تحت تملکش در اجمیر، مشهور است (حسینی، ۱۳۵۶: ۲۰۸-۲۰۷). هرچند، برخی این داستان را ساختگی و برای برجسته‌کردن نقش معین‌الدین می‌دانند (رضوی، ۱۳۸۰: ۱۵۲)، اما به‌نظر نمی‌رسد که در تملک وی بر زمین‌های گسترده خدشه‌ای وارد شود. شیخ فخرالدین غزنوی فرزند خواجه معین‌الدین نیز برای تأمین معاش خود به زراعت مشغول بود (محدث دهلوی، ۱۳۸۰: ۹۶). اگر چه شواهد موجود حاکی از اهمیت توجه به زمین و بهره بردن

از آن در میان خاندان معین‌الدین است (جمالی دهلوی، ۱۳۱۱: ج ۱: ۵)، ولی جانشین معین‌الدین، قطب‌الدین بختیار کاکي (د. ۳۴۴ق) از پذیرش قطعه زمین اهدایی حاکم ناگور امتناع ورزید (رضوی، ۱۳۸۰: ۱۵۶-۱۵۴). هرچند، در آثار موجود، به نظرات و نوع نگاه وی در این زمینه، هیچ اشاره‌ای نشده‌است.

در باب موضع‌گیری شیوخ چشتیه دهلوی نسبت به زمین آمده است که در دوره بابافرید گنج‌شکر (د. ۶۴۴ق)، سلطان غیاث‌الدین بلبن (حک: ۶۶۴-۸۶ق)، چهار قریه را به‌عنوان هدیه به وی ارزانی داشت، اما بابافرید نپذیرفت (علوی میرخورد، ۱۸۸۵: ۸۱؛ جمالی دهلوی، ۱۳۱۱: ج ۱: ۲۵). اگرچه بابافرید از لحاظ نظری تأکید کرده که صوفی نباید متکی به زمین اعطایی از طرف سلاطین باشد، اما حضور وی در محکمه محلی به واسطه اختلاف بر سر مالکیت زمین (چشتی، ۱۳۸۶: ۱۷۳-۱۷۴)، آشکار می‌کند که به احتمال، وی این نوع از زمین‌ها را دریافت کرده است ولی منابع صوفیانه برای حفظ حرمت وی از ذکر آن خودداری ورزیده‌اند. هر چند، احتمال دارد که وی این زمین‌ها را خریداری کرده باشد، سپس با مشکل مالکیت مواجه شده بود، ولی منابع در مورد مقدار و نحوه تهیه ثروتی که با آن زمین خریده‌است، اشاره‌ای ندارند. به هر صورت، خاندان بابا فرید بی‌ارتباط با زمین‌داری نبوده‌اند. بنابراین، در این اظهارنظر که بابافرید اجازه انبار کردن یک حبه غله را نمی‌داده (Rasool, 2009: 130) باید با احتیاط نگریست.

پس از بابافرید، شیوخ چشتیه دهلوی نیز همان روند را ادامه دادند؛ چنان که سلطان علاء‌الدین خلجی (حک: ۶۹۵-۷۱۶ق) برای یکی از خلفای بابافرید به نام نظام‌الدین اولیاء (د. ۷۲۹ق)، حکم چند روستا را فرستاد که نظام‌الدین از قبول آن امتناع ورزید (میرخورد، ۱۸۸۵: ۱۱۴-۱۱۵) ولی بخشش همان سلطان، به قاضی محیی‌الدین از یاران نظام‌الدین اولیاء مورد پذیرش قاضی قرار گرفت (میرخورد، ۱۸۸۵: ۲۹۶-۲۹۴؛ محدث‌دهلوی، ۱۳۸۰: ۹۸؛ عباسی‌علوی‌چشتی، بی‌تا: ج ۱: ۳۶۵-۳۶۶؛ خویشگی، بی‌تا: ۱۲۶-۱۲۸). در گزارش‌های موجود، این عمل محیی‌الدین تقبیح نشده است. همچنین خبری از موضع‌گیری نظام‌الدین اولیاء نسبت به این امر در دست نیست. در موردی دیگر محمد بن تغلق (حک: ۷۵۲-۷۲۵ق)، روستایی به قطب‌الدین منور از یاران نظام‌الدین اولیاء اعطا کرد، اما وی از قبول آن سر باز زد (رضوی، ۱۳۸۰: ۲۱۴-۲۱۵). در موردی دیگر چندین دیه و سیورغال به سید حسین نهرواله، خلیفه نظام‌الدین اولیاء، اعطا شده‌است (غوئی شطاری، ۱۹۴۴: ۱۳۸). در جایی دیگر محمد بن تغلق، به‌ظاهر برای دلجویی از میر سید علاء‌الدین کنتوری چشتی — که یکی از پسران وی به دستور سلطان کشته شده بود — فرمان چند دیه به‌منظور خرج خانقاه فرستاد که مورد پذیرش قرار گرفت (عباسی‌علوی چشتی، بی‌تا: ج ۲: ۱۰۷). درباره سرنوشت این نوع از زمین‌ها پس از درگذشت فردی که آنها را از سلطان دریافت می‌کرد، خبری در دست نیست.

شیوخ طریقت چشتیه در بنگال نیز این دوگانگی در باب پذیرش اراضی اهدایی را ادامه دادند. سید محمد گیسو دراز (۷۲۱-۸۲۵ق)، در زمان فیروز شاه بهمنی (حک: ۸۲۵-۸۳۹ق) به دکن آمده و در آنجا مستقر شد. فیروز شاه دیه‌ها و باغاتی وقف خانقاه گیسودراز کرد و او در مابقی دوران حیاتش از آنها بهره برد (بن طباطبا، ۱۹۳۶: ۴۳-۵۶؛ غوثی شطاری، ۱۹۴۴: ۱۶۴؛ چشتی بلگرامی، ۱۳۱۰: ۲۴). شیخ اخی سراج (۶۵۶-۷۵۹ق) دو باغ داشت که درآمد آنها هشت هزار تنکه نقره بود و بخشش‌های بی‌اندازه می‌کرد (صاحب مرادآبادی، بی‌تا: ۵۳۱). دو باغ از آن وی را که حاصل آن هشت هزار تنکه بود، کسی گرفت و جانشین وی، شیخ علاءالحق و الدین بن اسعد لاهوری بنگالی (د. ۸۰۰ق) به روی خود نیاورد (محدث‌دهلوی، ۱۳۸۰: ۲۸۷-۲۸۸). این امر حاکی از آن است که وی زمین‌های بسیاری تحت تملک داشته‌است. علاوه بر این، برخی از بزرگان چشتیه در زمینه کشاورزی و باغداری فعال بوده‌اند؛ میر سید شرف‌الدین جهانگیر سمنانی (د. ۸۰۸ق)، جانشین علاءالحق بن اسعد بنگالی، در اواخر عمر باغداری می‌کرد (عباسی‌علوی‌چشتی، بی‌تا: ج ۲: ۱۶۶)، در سال‌های پایانی سده نهم خواجه عبدالکریم بن خواجه عبدالقدوس اولیاء چندین قطعه زمین و روستا از دیوان اسکندر بن بهلول لودی (حک: ۸۹۴ تا ۹۲۳ق) دریافت کرد (چشتی، ۱۳۸۶: ۲۲۲) و شیخ بهاء‌الدین گنج‌روان پسر و جانشین فخرالدین ثانی از زمین‌هایی بهره برد که از عقب‌نشینی بستر رودخانه به‌دست آمده بود (غوثی شطاری، ۱۹۴۴: ۲۲۷). همچنین، شیخ احمد عبدالحق (د. ۸۳۷ق)، اگرچه فرمان اعطای یک دیه برای خرج خانقاه را که دامادش از مُقطَع رودلی دریافت کرده بود، پاره کرد، ولی باری دیگر بخشش هفتصد قطعه زمین را از همان مُقطَع پذیرفت (گنکوهی، ۱۲۹۵: ۲۲-۲۳، ۳۷-۳۹) و اعطای چندین روستا از سلطان ابراهیم شرقی [شوقی؟] پادشاه جونپور را رد نکرد (عباسی‌علوی‌چشتی، بی‌تا: ج ۱: ۲۰۵). اختلاف میان یکی از خلفای اخی سراج با حاکم محلی (محدث‌دهلوی، ۱۳۸۰: ۲۹۱-۲۹۲) نیز حاکی از گستره وسیع زمین‌هایی است که وی در اختیار داشته‌است. براین اساس، می‌توان مدعی شد که در قرن نهم هجری، میزان زمین‌های دریافتی چشتیان از سلاطین، افزایش چشمگیری یافته‌است.

در باب واکنش صوفیان طریقت چشتیه در ایران در قرون هفتم و هشتم نسبت به این نوع از عطایای سلطانی، گزارشی در دست نیست، اما بر اساس گزارش‌های مبنی بر پیوند آنها با دربار تیموری (هروی، بی‌تا: ۱۵۸؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ج ۲: ۱۳۴-۱۳۲)، به‌نظر می‌رسد در قرن نهم تحت‌تأثیر دربار تیموری قرار گرفته باشند. آنها، عموماً موقوفاتی در کنار مزار بزرگان طریقت، دریافت کرده‌اند که زمین قسمت مهمی از آن را تشکیل می‌داده است (واعظ، ۱۳۵۱: ۱۲۳-۱۲۷؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ج ۴: ۳۱۴). به نظر می‌رسد بیشترین مناسبات شاهان تیموری با طریقه چشتیه مختص به خانقاه هرات بوده است (هروی، ۱۳۸۱: ۱۷۴).

همان‌طور که شواهد نشان می‌دهد در طول قرن هفتم تا نهم یکی از راه‌های تأمین هزینه‌های خانقاه‌های چشتیه، زمین و زمین‌داری بوده‌است که افزایشی بودن روند و میزان اتکای صوفیان چشتیه به آن، خود مؤید تغییر تدریجی در نگرش آنها به این قضیه است. هر چند، درباره مساحت و نوع کاربری این زمین‌ها، هویت نیروی کار فعال در این اراضی، نحوه نظارت بر کارگران مزارع، نوع محصولات، میزان و نحوه جمع‌آوری درآمدهای حاصله، نسبت این درآمد با هزینه‌های خانقاه و سرانجام، چگونگی صرف این درآمد برای مخارج خانقاه کمترین اطلاعی در دست نیست.

۳. طریقت کبرویه و زمین‌داری

با توجه به تعدد انشعابات در طریقت کبرویه، رفتارشناسی اقتصادی این فرقه با دشواری‌هایی روبه‌رو است. بانی طریقت در زمینه چگونگی تأمین هزینه‌های خانقاه هیچ نظری ارایه نکرده‌است. بعدها، دیگر بزرگان این طریقت در زمینه چگونگی تأمین هزینه‌های خانقاه و نقش زمین در آن تاحدودی توجه کرده‌اند. درباره استفاده شیوخ این طریقت از زمین به‌عنوان منبع درآمد خانقاه در شبه‌قاره هند گزارش‌های زیادی در دست نیست، اما با توجه به توصیه برخی از بزرگان این طریقت در زمینه زراعت (منیری، مکتوبات صدی: ۴۶، ۹۱)، می‌توان نتیجه گرفت که آنها از زمین برای تأمین هزینه‌های خانقاه استفاده می‌کرده‌اند؛ چنان‌که سلطان محمد بن تغلق (حک: ۷۲۵-۷۵۲ق) برای شیخ شرف‌الدین منیری (د. ۷۸۲ق) خانقاهی برآورد و برخی از روستاهای پیرامون را در اختیار وی قرار داد (مناقب الاصفیاء، ۱۳۹۰: ۳۴۲-۳۴۳). از سوی دیگر سید علی همدانی (د. ۷۸۶ق)، به‌عنوان یکی از مشایخ کبرویه در هند و کشمیر (تتوی، ۱۳۹۴: ج ۷: ۴۸۵)، به رغم آگاهی از نظرات مشایخ پیشین کبرویه در زمینه زراعت (رازی، ۱۳۸۳: ۲۵۴-۲۵۷، ۴۲۵؛ سمنانی، ۱۳۶۲: ۳۰۰)، به زمین به‌عنوان منبع درآمد صوفیان اشاره نکرده‌است. محتمل است که اهمیت قابل شدن همدانی برای کارهای دستی و ترویج آنها میان صوفیان، علت بی‌توجهی او به زمین باشد (Gull, 1999: 64).

به نظر می‌رسد طریقت کبرویه در ایران و ماوراءالنهر نسبت به هند با زمین‌داری پیوند بیشتری داشت. هرچند، بزرگان این طریقت با موضوع معاش و زمین‌داری به‌صورت دویپهلو برخورد کرده‌اند؛ از یک‌سوی طفیلی بودن را مذموم دانسته، صوفی را به کسب و کار سفارش کرده‌اند. از سوی دیگر، به میانه‌روی در زندگی توصیه کرده، مانع پذیرش عطایا از دیگران شده‌اند. مشایخ این طریقت، به‌صورت اختصاصی با فعالیت‌های مربوط به کشاورزی آشنایی داشته‌اند (هروی، ۲۵۳۶: مقدمه مولف). نجم‌الدین رازی (۱۳۸۳: ۲۵۴-۲۵۷)، کشاورزی را بازرگانی با خدای دانسته، به‌گونه‌ای پیشه کشاورزی را تأویل روحانی می‌کند. وی جاری کردن صدقه و نفقه -که اهم آن را زمین تشکیل می‌داد- برای درویشان از سوی ملوک را توصیه کرده‌است (رازی، ۱۳۸۳: ۴۲۵). علاءالدوله سمنانی نیز زمین‌های فراوانی خریده، وقف خانقاه خود کرد که صوفیان از عواید آن امرار معاش می‌کرده‌اند (سجستانی، ۱۳۶۶: ۱۰۶؛

سمنانی، ۱۳۶۲: ۳۰۰). اسفراینی از اجتماع برخی درویشان مرتبط با رضی‌الدین لالا سخن به میان آورده که بر روی زمین به کشت و زرع می‌پرداخته، محصول زمین را در همان جایگاه مصرف می‌کردند (اسفراینی، ۱۳۵۸: ج ۱: ۲۲). در ماوراءالنهر نیز توجه به زمین‌داری در میان اعقاب باخرزی تداوم یافت (باخرزی، ۱۳۸۳: ۲۷۴). بر اساس گزارش‌های موجود در باب خانقاه این طریقت در ماوراءالنهر (فصیحی‌خوافی، ۱۳۸۸: ج ۲: ۳۱۷) و همچنین تخصیص مقادیری وجوه برای این خانقاه‌ها توسط خان مغول (جوینی، ۱۳۸۵: ج ۳: ۹) می‌توان به این نتیجه رسید که این خانقاه‌ها زمین‌هایی داشتند که بخشی از هزینه‌های آن را تأمین می‌کرد (قلندر، بی تا: ۲۶۶).

به رغم اهمیت کشاورزی و زمین‌داری در نزد طریقت کبروی و احتمالاً فزونی املاک و اراضی خانقاه‌های این طریقت، در خصوص وسعت و نوع کاربری این املاک و اراضی، میزان محصول، هویت کارگران مزارع، نحوه جمع‌آوری عایدات و نیز چگونگی هزینه آن برای خانقاه و مهمتر از همه، نسبت این درآمدهای ارضی با دیگر منابع مالی خانقاه کمترین داده‌ای در دست نیست.

۴. طریقت سهروردیه و زمین‌داری

به نظر می‌رسد طریقت سهروردیه در زمینه اقتصادی متکی به توصیه‌های شیخ شهاب‌الدین سهروردی در *عوارف‌المعارف* بوده‌اند. بنابراین، در این طریقت، علاوه بر شیوه‌های معمول صوفیان همچون دریافت «فتوح» و هدایای مردمی و جز آن، از حمایت‌های مالی اربابان قدرت نیز استقبال می‌شد و با توجه به آنکه هدایای این گروه معمولاً به صورت زمین بود، عملاً زمین‌داری به عنوان یکی از مهمترین منابع تأمین هزینه این طریقت تبدیل شد. ظاهراً بعدها در نگرش این طریقت به کشاورزی تغییری ایجاد شد؛ چنانکه جلال‌الدین بخاری مشهور به مخدوم جهانیان (۷۰۷-۷۸۵ق) از بزرگان سهروردیه در هند، کشاورزی را عملی ستوده پنداشته، اشتغال بدان را توصیه کرده، درآمد حاصل از آن را نیکوترین درآمدها دانسته‌است. همچنین، ذکر و توصیه برخی ادعیه برای برکت دادن به محصول کشاورزی توسط وی (نک: حسینی بخاری، خطی: ج ۱: ۱۲۵، ۱۱۳، ۱۰۰، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۶۶، ۲۴۹، ۲۷۲، ۳۹۲: ج ۲: ۱۳۸ب) از اهمیت موضوع برای وی و طریقت حکایت دارد.

گزارش‌های موجود در باب طریقت سهروردیه در هند نشان می‌دهد که زمین‌هایی به خانقاه شیخ بهاء‌الدین زکریای مولتانی (۵۶۶ یا ۵۷۸-۶۶۱ یا ۶۶۶ق) از سوی سلطان التتمش (حک: ۶۰۷-۶۳۳ق) اعطا شده‌است (رضوی، ۱۳۸۰: ۲۳۲). از آنجا که بهاء‌الدین در یک نوبت، انباری غله به حاکم محلی بخشیده (جمالی دهلوی، ۱۳۱۱: ۹ب) می‌توان به وسعت این زمین‌ها -اگر تمامی این غلات حاصل زمین‌های تحت تملک وی باشد و غله‌ای به عنوان «فتوح» در آنها موجود نبوده- پی‌برد. سلطان محمد بن تغلق (حک: ۷۲۵-۷۵۲ق) نیز حواله یکصد روستا را برای تأمین مخارج خانقاه رکن‌الدین، نوه بهاء‌الدین زکریا فرستاد (رضوی، ۱۳۸۰: ۲۵۷). همین سلطان، ضمن انتصاب جلال‌الدین بخاری به

منصب شیخ الاسلامی، تولیت خانقاهی در سیهوان را به وی ارزانی داشت که درآمد آن از طریق چندین روستا تأمین می‌شد (قریشی‌الحسینی، ۱۳۷۱: ۱۸۵). همچنین یک دیه را به یکی از یاران وی اعطا کرد (ملفوظات مخدوم جهانپان، بی‌تا: ۱۰۱ الف). یکی از نوادگان مخدوم جهانپان به نام سید محمد در گجرات زمین‌های زیادی در تملک داشت و صوفیان بسیاری از آن ارتزاق می‌کردند (گجراتی، بی‌تا: ۱۰۲-۱۱۰، ۱۲۶-۱۲۷). برخی دیگر از خانقاه‌های سهروردی هند نیز زمین‌هایی دریافت داشته‌اند (قریشی‌الحسینی، ۱۳۷۱: ۱۸۲، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۴۴، ۵۷۸). از این رو می‌توان مدعی شد گزارش مبنی بر امتناع یکی از مریدان مخدوم جهان از دریافت زمین اعطایی سلطان وقت (بلگرامی، بی‌تا: ۹۲)، بر ساخته مریدان برای بزرگداشت شیخشان است. جلال‌الدین تبریزی (د. ۶۴۲ق) از بزرگان این طریقت در قرن هفتم به بنگاله رفت و در آنجا خانقاه و لنگر بنا نهاد و باغ و زمین خرید و وقف آن کرد (جمال‌دهلوی، ۱۳۱۱: ۵۶ الف). گویا مساحت این زمین‌ها در دوره‌های بعدی به حدود بیست و دو هزار جریب رسیده باشد (زیدی، ۱۹۷۴: ۸۴).

در ایران نیز گزارش‌های منابع تاریخی حاکی از آن است که خانقاه‌های برخوردار از موقوفات بسیار سهروردیه از خراسان تا بغداد گسترده بود. این طریقت، مورد توجه غازان‌خان مغول و رشیدالدین فضل‌الله بود و باید خانقاه‌های آنها را در شمار خانقاه‌هایی قرار داد که موقوفاتی از جمله زمین به آنها اختصاص یافته‌است (همدانی، ۱۹۴۰: ۷۸، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۶۲؛ نجوانی، بی‌تا: ج ۲: ۲۲۹-۲۳۵). از برخی شخصیت‌های سهروردی نیز سخن رفته که دارای املاک بوده‌اند، اما مشخص نیست که آنها را کسی در اختیارشان گذاشته یا میراث پدری است (جنید شیرازی، ۱۳۲۸: ۱۷۷). از سوی دیگر به نظر می‌رسد سهروردیه در تبریز زمین‌های وقفی در اختیار داشته‌اند (کربلایی‌تبریزی، ۱۳۸۳: ج ۱: ۲۷۴) و خاندان‌های پیرو این طریقت در اصفهان و یزد نظیر «لالا» و «نطنزی» با زمین‌داری در ارتباط بوده (کیانی، ۱۳۶۹: ۲۲۰-۲۲۲) و بخشی از هزینه‌های آنها از طریق زمین، خواه وقفی، خواه از آن خود آنها و خواه خریداری شده (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۱۵)، تأمین می‌شده است. گزارش‌های اندک در این زمینه را در پرتو دیگر رفتارهای سهروردیه می‌توان این گونه تفسیر کرد که آنان به صوت یکسانی از آغاز تا پایان از عطایا برخوردار بوده‌اند. در مورد این طریقت نیز (به جز وسعت اراضی متعلق به خانقاه جلال‌الدین تبریزی در بنگال) در خصوص وسعت و نوع کاربری اراضی، کارگران، میزان، نحوه گردآوری و هزینه‌کرد عواید این اراضی اطلاعی در دست نیست.

۵. طریقت کازرونیه و زمین‌داری

به واسطه قلت داده‌ها، رفتارشناسی اقتصادی طریقت کازرونیه از دیگر طرایق دشوارتر است. به نظر می‌رسد خانقاه‌های کازرونیه در ایران و هند با تکیه بر درآمدهای دریایی و به صورت فرا سرزمینی اداره می‌شده‌اند و درآمد آنها متکی بر دریافت‌های نقدی بود که از جاهایی دور و نزدیک تأمین می‌شد.

(ابن بطوطه، ۱۴۱۸: ۲۱۷-۲۱۸، ۴۵۲-۴۵۳، ۵۶۴، ۶۳۳؛ بن عثمان، ۱۳۵۸: ۹۴-۹۶، ۱۱۳-۱۱۶، ۱۲۱-۱۲۷). از این رو، این طریقت با دیگر طریقت‌ها متفاوت است، چرا که خانقاه‌های آنها مکان محور بوده و منبع درآمد آن به طیفی از پیروان (از شاه گرفته تا رعیت دون پایه) بستگی داشت. در باب نگرش طریقه کازرونیه به زمین‌داری به سبب قلت منابع نمی‌توان اظهارنظر موثق و معتبری انجام داد، اما می‌توان استنباط کرد که جواب بلیانی به پرسش مریدان مبنی بر قصد وی در واگذاری املاک به صوفیان (بن عثمان، ۱۳۸۰: ۲۰۲-۲۰۴)، بیش از آنکه اظهارنظری در باب امر واقع باشد، بازتاب دهنده نظرات امام غزالی در باب این نوع از کنش‌های خیرخواهانه در زمینه ابواب‌البر به شمار می‌رود. همچنین پاسخ وی به پرسشی در باب موقوفات شاهانه (بن عثمان، ۱۳۸۰: ۲۰۴-۲۰۵) نیز به نوعی شانه خالی کردن از زیر بار اموال شبهه‌دار سلطانی است تا اینکه مستقیم مرتبط به زمین و زمین‌داری باشد. از سوی دیگر، ارتباطی که میان روزبهان بقلی و طریقه کازرونیه برقرار شده گویای هیچ نگرشی در این زمینه نیست و در آثار روزبهان بقلی، هیچ نکته روشنی پیرامون مسأله زمین و زمین‌داری به دست نمی‌آید.

چنانکه بالاتر اشاره شد، گرایش شدید این طریقت به تجارت دریایی (نک: کاوتس، ۱۳۹۲: ۸۱-۸۵) و باور محکم دریانوردان به کسب حمایت معنوی از روح ابواسحاق کازرونی (ابن بطوطه، ۱۴۱۸: ۲۱۸-۲۱۷) موجب می‌شد که معاملات تجاری و «فتوح» و نذورات باورمندان، به عنوان مهمترین منابع تأمین معاش صوفیان این طریقت باشند. به واسطه سکوت منابع، نمی‌توان به صورت مبسوطی نگرش و استفاده آنها از زمین را به عنوان منبع تأمین هزینه‌های خانقاه مورد بررسی قرار داد. اگر چه این طریقت از همان آغاز و در زمان شیخ ابواسحاق کازرونی در پیوند با روستا و روستائینان بود، اما این ارتباط بیشتر مربوط به حوزه جمع کردن «فتوح» و نذر است تا گردآوری محصول زمین یا درآمدهای حاصل از آن (بن عثمان، ۱۳۵۸: ۱۸۶-۱۸۹). از سوی دیگر اگر ادعا شود که مؤسس طریقت زمین را به عنوان ممر درآمدی برای خانقاه در نظر نداشته، با این چالش مواجه می‌شویم که هزینه‌های خانقاه‌های پرشمار اولیه وی چگونه تأمین شده‌است؟ اگر بتوان گفت از طریق دریافت «فتوح» تأمین می‌شده، نمی‌توان آن را با مقدار مشخص هزینه‌های خانقاه تطبیق داد زیرا «فتوح» و میزان آن همواره متغیر بوده، قاعده منظمی نداشته‌است.

در باب همکاری و روابط حسنه شیوخ طریقت کازرونیه با امراء و سلاطین هند و در اختیار داشتن زمین برای مخارج خانقاه‌های طریقت در هند هیچ گزارشی در دست نیست. به نظر می‌رسد که شیوخ این طریقت در هند، در زمینه اقتصادی، متفاوت از سیاست‌های اولیه ابواسحاق رفتار کرده باشند. محتمل است نقش تجاری این طریقت در دریاهای جنوب آسیا، تمرکز آنها در نواحی ساحلی و تکیه بر نقود (کاوتس، ۱۳۹۲: ۸۱-۸۵) را بتوان در این واگرایی کازرونیه از زمین‌داری دخیل دانست. گویا

آنها تمایل به دریافت زمین برای تأمین مخارج خود نداشته‌اند، زیرا این امر از یک‌سوی بر وابستگی آنها بر سرزمین‌های داخلی می‌افزود و از سوی دیگر قشر فقیری را در پیوند با خانقاه آنها قرار می‌داد که احتمال می‌رفت درآمدهای زمین‌های اعطایی هم نتواند کفاف مایحتاج آنها را بدهد.

در ایران طریقت کازرونیه اگرچه به مناطق داخلی کشیده شده بود، ولی گزارشی در باب ارتباط بین شیوخ این طریقت با ایلخانان در دست نیست. به رغم وجود شواهدی مبنی بر روابط نزدیک مشایخ این فرقه با حکمرانان فارس در اواخر عهد ایلخانان، یعنی محمود شاه اینجو (حک: ۷۳۴-۷۳۶ ق) و ابواسحاق شاه اینجو (حک: ۷۴۲-۷۵۷ ق) (ابن بطوطه، ۱۴۱۸: ۲۰۷؛ جنید شیرازی، ۱۳۲۸: ۶۲)، از روابط آنها با حکمرانان آل‌جلایر و آل‌مظفر اطلاعی در دست نیست. در قرن نهم روابط مستحکمی میان شیوخ این طریقت با سلاطین تیموری شکل گرفته بود (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ج ۲: ۶۱۲-۶۱۷؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ج ۳: ۶۲۶، ۶۳۲). هر چند، گزارش مربوط به ضرب سکه زر در کازرون با نام ابواسحاق (بن عثمان، ۱۳۵۸: ۳۵) و همچنین درج نام ابواسحاق / شیخ ابواسحاق بر روی سکه‌ها از اواخر قرن هفتم تا اواخر قرن نهم به عنوان دارالضرب همان مسکوکات (نک: بن عثمان، ۱۳۵۸: ۷۶۴-۷۶۷؛ ضمیمه دوم به قلم عبدالله عقیلی)، گویای جایگاه فرقه کازرونیه در نزد فرمانروایان آن دوره است. بدیهی است که این سلاطین برای مشایخ، مشاهد و زوایای این طریقت هدایایی داده باشند ولی گزارشی در باب اعطای زمین یا روستا به آنها در دسترس نیست. همچنین گزارشی درباره استفاده آنها از زمین به‌عنوان تأمین‌کننده بخشی از مخارج خانقاه نداریم. گزارشی مبهم در باب اعطای زمین به صوفیان در دوره امین‌الدین بلیانی (د. ۷۴۵ ق)، در دست است (بن عثمان، ۱۳۸۰: ۲۰۲-۲۰۴)، ولی با توجه به گرایش‌های قوی بلیانی نسبت به طریقت سهروردیه، نمی‌توان آن را مبنایی برای ارتباط کازرونیه با زمین‌داری تلقی کرد.

در آناتولی روابط نزدیکی بین شیوخ طریقت کازرونی با سلاطین عثمانی در قرن نهم شکل گرفته بود؛ چنانکه پیروان این طریقت در فتح قسطنطنیه، سلطان محمد فاتح را یاری دادند (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۹۸: ۱۷۴) و در مقابل، سلاطین عثمانی، املاک و موقوفات فراوانی به مزارات و خانقاه‌های این طریقت در جای‌جای آناتولی همچون ارجیش (یاقوت، ۱۹۹۵: ج ۱: ۱۴۴)، میافارقین (هروی، ۱۴۲۳: ۵۹)، بورسا و جز آن اختصاص دادند (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۹۸: ۱۷۰). اگر چه هیچ گزارشی پیرامون میزان نوع کاربری، میزان درآمد و نحوه جمع‌آوری و هزینه‌کرد عایدات این موقوفات برای خانقاه کازرونیه در دست نیست.

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که شیوخ برخی از طریقت‌های صوفیانه در ایران و هند قرون ۷-۹ ق در خصوص استفاده از زمین به‌عنوان تأمین‌کننده بخشی از هزینه‌های خانقاه‌های خود به تناسب شرایط، مقتضیات و موقعیت زمانی، مکانی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی، به لحاظ نظری و عملی عملکردهای متفاوتی از خود بروز دادند. از لحاظ نظری، در هر کدام از چهار طریقت مذکور، مریدان به زهدگرایی و تشرع توصیه می‌شدند ولی در زمینه رفع مایحتاج مریدان، شیوه‌های متفاوت تجویز می‌شد. در طریقت کبرویه صوفیان را به کسب درآمد از طریق کشاورزی و پیشه‌وری و در طریقت کازرونیه از طریق تجارت توصیه می‌کردند ولی چشتیه و سهروردیه در این باره نظر خاصی نداشتند و گویا به همان شیوه‌های سنتی دریافت هدایا و نزورات و جز آن بسنده می‌کردند. همکاری با سلاطین و دریافت هدایا و عطایا از قدرت‌مندان را که سهروردیه مجاز می‌دانستند، چشتیه آشکارا با آن مخالف بودند ولی دو فرقه کبرویه و کازرونیه، آن را مسکوت گذاشته بودند. همچنین کبرویه و چشتیه مریدان را از دنیاگرایی و ثروت اندوزی، نهی می‌کردند، ولی کازرونیه و سهروردیه مخالفتی با این امر نداشتند جز اینکه اولی کسب ثروت را از راه تجارت و دومی از طریق همکاری با نهاد قدرت توصیه می‌کردند.

از نظر عملی، پیروان طریقت کبرویه، چشتیه، سهروردیه به زمین و زمین‌داری گرایش داشتند؛ جز اینکه املاک خانقاه‌های سهروردیه، عموماً از بخشش‌های سلطانی بود ولی در خانقاه‌های کبرویه بیشتر به اراضی ملکی (و نه بخششی) تمایل داشتند. صوفیان چشتیه نیز به صورت تدریجی، زمین‌های زیادی از سلاطین دریافت داشته یا اینکه خود دست به احیای زمین‌های موات زدند. این امر، فراهم شدن اراضی فراوان، تجمع مال و ثروت انبوه در خانقاه‌های این طریقت‌ها را در پی داشت. شیوخ و پیروان طریقت کازرونیه، متفاوت از سه طریقت دیگر عمل کردند. آنها به واسطه تمایل شدید به تجارت دریایی، از ورود به نواحی داخلی هند و درگیر شدن با اقتصاد زراعی و زمین‌داری خودداری کردند. در ایران، اگر چه مشایخ طریقت با سلاطین همکاری و در امور سیاسی مداخله می‌کردند، ولی گزارشی درباره اعطای زمین به این طریقت در دست نیست ولی در آناتولی با نزدیکی به نهاد قدرت ضمن اعمال نقش در امور سیاسی، اراضی فراوانی را به عنوان موقوفات دریافت کردند. هر چند گزارشی در دست نیست که نشان دهد در آن منطقه نیز زمین در تأمین هزینه‌های خانقاه‌های این طریقت جایگاهی داشته‌است.

منابع

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۸۳). *تاریخ ابن خلدون*. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- اسفراینی، نورالدین عبدالرحمان (۱۳۵۸). کاشف الاسرار. تصحیح هرمان لندت. تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل.
- اسفزاری، معین الدین محمد (۱۳۳۹). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، تصحیح سید محمد کاظم امام. تهران: دانشگاه تهران.
- باخرزی، یحیی (۱۳۸۳). *أوراد الأحياء و فصوص الأدب*. تصحیح ایرج افشار. تهران: دانشگاه تهران.
- بگلرامی، عبدالواحد ابراهیم (خطی). *سبع سنابل*. کتابخانه مجلس شورای اسلامی. شماره بازیابی: ۱/۱۸۱۴۰.
- بن طباطبای، سیدعلی بن عزیز (۱۹۳۶). *برهان مآثر*. دهلی: بی نا.
- بن عثمان، محمود (۱۳۵۸). *فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه*. تصحیح فریتز مایر. به کوشش ایرج افشار. تهران: انجمن آثار ملی.
- بن عثمان، محمود (۱۳۸۰). *مفتاح الهدایه و مصباح العنايه*. تصحیح منوچهر مظفریان. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- تنوی، احمد بن نصرالله (۱۳۹۴). *تاریخ الفی*. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: علمی و فرهنگی.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۹۰). *نفحات الانس*. تصحیح محمود عابدی. تهران: سخن.
- جعفری، جعفر بن محمد (۱۳۸۴). *تاریخ یزد*. به کوشش ایرج افشار. تهران: علمی و فرهنگی.
- جمالی دهلوی، حامد بن فضل الله (۱۳۱۱ق). *سیرالعارفین*. چاپ سنگی. دهلی: مطبعه رضوی.
- جنید شیرازی، معین الدین (۱۳۲۸). *شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار*. تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال. تهران: چاپخانه مجلس.
- جوینی، عطاءالملک (۱۳۸۵). *تاریخ جهانگشای*. تصحیح محمد قزوینی. تهران: دنیای کتاب.
- جهانگشای خاقان (۱۳۶۴). *تصحیح الله دتا مضطر*. اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- چشتی، الله دیه بن عبدالرحیم (۱۳۸۶). *سیرالقطاب*. تصحیح محمد سرور مولایی. تهران: علم.
- چشتی بگلرامی، میرغلامعلی بن محمد (۱۳۱۰ق). *روضه الاولیاء*. چاپ سنگی. اورنگ آباد: مطبع اعجاز صفدری.
- حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله (۱۳۷۲). *زبدہ التواریخ*. تصحیح سید کمال حاج سید جوادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی بخاری، جلال الدین حسین بن احمد (خطی). *خزانہ جواهر جلالی*. کتابخانه مجلس شورای اسلامی. شماره بازیابی ۱۹۳۰۰.
- حسینی، سید محمد اکبر (۱۳۵۶ق). *جوامع الکلم*. تصحیح حافظ محمد حامد صدیقی. چاپ سنگی. گلبرگه دکن: مطبع انتظامی کانپور حلیه.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۸۰). *حبیب السیر*. تصحیح محمد دبیر سیاقی. تهران: خیام.
- خویشگی، عبدالله بن عبدالقادر (خطی). *معارج الولا یه فی مدارج الهدایه*. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. میکروفیلم ۳۷۵۶-ف.

- خیراندیش، عبدالرسول و رحیمی جابری، اعظم (۱۳۹۸). شکل‌گیری و گسترش خانقاه‌های مرشدیه در هند و چین در سده هشتم هجری. *تاریخ اسلام*، ۲۰ (۷۷)، ۲۱۹-۲۶۶.
- دهلوی، خواجه حسن (۱۳۹۴). *فوائد الفوائد*. تصحیح محمد لطیف ملک. به کوشش محسن کیانی. تهران: روزنه.
- رازی، نجم‌الدین (۱۳۸۳). *مرصاد العباد*. به اهتمام محمد امین ریاحی. تهران: علمی و فرهنگی.
- رضوی، سید اطهر عباس (۱۳۸۰). *تاریخ تصوف در هند*. ترجمه منصور معتمدی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲). *دنباله جستجو در تصوف ایران*. تهران: امیرکبیر.
- زیدی، شمیم محمود (۱۹۷۴). *احوال و آثار بهاء‌الدین زکریا مولتانوی*. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- سجستانی، امیر اقبال‌شاه بن سابق (۱۳۶۶). *چهل مجلس*. تصحیح نجیب مایل هروی. تهران: ادیب.
- سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۸۳). *مطلع سعدین و مجمع بحرین*. به اهتمام عبدالحسین نوائی. ج ۲ دفتر اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سمنانی، علاءالدوله (۱۳۶۲). *العروة الاهل الخلوۃ و الجلوۃ*. تصحیح نجیب مایل هروی. تهران: مولی.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین (۱۳۹۸). نامه درویش کازرونی به سلطان ابوسعید گورکان و پیشنهاد اتحاد با سلطان محمد فاتح. *گزارش میراث*، ۴ (۸۸-۸۹)، ۱۷۰-۱۸۰.
- صاحب مرادآبادی، حافظ محمد حسین (بی‌تا). *انوارالعارفین*. چاپ سنگی. بی‌جا: مطبع صدیقی.
- صیامیان گرجی، زهیر؛ احمدوند، عباس و شیرین عظیمی، سمیه (۱۳۹۶). شیوه‌های معیشت صوفیان در ایران قرون میانه (۷-۵ هجری). *پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، ۶ (۱)، ۵۷-۸۲.
- طاہری، سید مهدی (۱۳۸۹). بررسی جریان تصوف در شبه‌قاره. *مطالعات شبه‌قاره*، ۲ (۵)، ۲۹-۵۴.
- طباطبایی، سید مهدی و حاجی‌شعبانیان، ملیکا (۱۳۹۸). بررسی جایگاه پیشه‌ها و حرف در اندیشه عارفان و سالکان مسلمان تا پایان قرن ششم هجری. *مطالعات عرفانی*، ۱ (۲۹)، ۱۴۵-۱۷۲.
- عباسی علوی چشتی، عبدالرحمان (خطی). *مرآت‌الاسرار*. (۲جلد). کتابخانه مجلس شورای اسلامی. شماره ۶۵۴س.
- عرفانی‌واحد، فاطمه؛ واثق‌عباسی، عبدالله و مشهدی، محمد امیر (۱۳۹۴). مرشدیه و بازتاب آن در شبه‌قاره. *مطالعات شبه‌قاره*، ۷ (۲۳)، ۷۷-۹۶.
- علامی، ابوالفضل (۱۸۸۲). *آیین اکبری*. لکهنو: مطبعه نولکشور.
- علوی میرخورد، حمید بن مبارک (۱۸۸۵). *سیرالاولیاء*. لاهور: بی‌نا.
- غوثی شطاری، محمد (۱۹۴۴). *گلزار ابرار سیر الاخبار*. به کوشش محمد زکی. پتنه: بی‌نا.
- فسایی، حسن بن حسن (۱۳۸۲). *فارسنامه ناصری*. تصحیح منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.
- فصیحی خوافی (۱۳۸۸). *مجمل فصیحی*. تصحیح محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.
- قریشی‌الحسینی، علی بن سعد (۱۳۷۷). *خلاصه الالفاظ*. تصحیح غلام سرور. اسلام‌آباد. مرکز تحقیقات ایران و پاکستان.

- قلندر، حمید (بی‌تا). *خیرالمجالس*. تصحیح خلیق احمد نظامی. علی‌گره: مسلم یونیورسی. کاوتس، رالف (۱۳۹۲). شبکه کازرونیه، چشم‌اندازهایی از جاده ابریشم دریایی. ترجمه محمدباقر وثوقی و پریسا صادقی. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- کربلایی تبریزی، حافظ حسین (۱۳۸۳). *روضات الجنان*. تصحیح جعفر سلطان القرایی. تبریز: ستوده.
- کیانی، محسن (۱۳۷۷). *تاریخ خانقاه در ایران*. تهران: طهوری.
- گجراتی، سکندر بن محمد (بی‌تا). *مرآت اسکندری*. بی‌جا: بی‌نا.
- گنکوهی، شیخ عبدالقدوس (۱۲۹۵ق). *انوار العیون فی اسرار المکنون*. تصحیح شاه مسعود احمد و شاه الثقات احمد. لکنهو: مطبع گلزار محمدی.
- محدث دهلوی، عبدالحق (۱۳۸۰). *اخبار/لاخيار*. تصحیح علیم اشرف خان. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مظاهری، عبدالرضا (۱۳۹۴). پاسخی به اهل سیاست در نگاهی واقعی به ریاضت و انزوا طلبی در عرفان اسلامی. *پژوهشنامه ادیان*، ۹ (۱۸)، ۱۵۹-۱۸۴.
- معصومی، محسن و شیرازی، سعید (۱۳۹۲). مناسبات سلاطین دهلی با مشایخ چشتیه و سهروردیه. *پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی*، ۴۶ (۱)، ۱۰۹-۱۲۲.
- ملفوظات جلال‌الدین مخدوم جهانیان/خطی*. شماره بازیابی: ۱۷۸۱۱. کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- مناقب الاصفیاء* (۱۳۹۰). چاپ عکسی. به کوشش سید شاه شمیم الدین احمد منعمی. دهلی نو: مرکز تحقیقات فارسی رازینی فرهنگی ایران.
- منیری، شرف‌الدین یحیی (خطی). *مکتوبات صدی*. کتابخانه علامه اقبال دانشگاه کشمیر. شماره ۱۶۸۰.
- نخجوانی، محمد بن هندوشاه (بی‌تا). *دستورالکاتب فی تعیین مراتب*. تصحیح عبدالکریم عزیزاده. باکو: انستیتوی خاورشناسی.
- نیشابوری، فریدالدین عطار (۱۳۹۸). *تذکره الاولیاء*. تصحیح محمدرضا شفیع کدکنی. تهران: سخن.
- واعظ، عبدالله بن عبدالرحمن (۱۳۵۱). *مقصدالاقبال سلطانیه و مرصد الآمال خاقانیه*. تصحیح نجیب مایل هروی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- هروی، سیف بن محمد (۱۳۸۱). *پیراسته تاریخنامه هرات*. تصحیح محمد آصف فکرت. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- هروی، قاسم بن یوسف (۲۵۳۶). *ارشادالزراعه*. به اهتمام محمد مشیری. تهران: امیرکبیر.
- هروی، عبیدالله بن ابوسعید (بی‌تا). *رساله مزارات هرات*. تصحیح فکری سلجوقی. هرات: بی‌نا.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۹۴۰). *تاریخ مبارک غازانی*. تصحیح کارل یان. هرتفورد: استفن اوستین.
- ابن بطوطه، محمد بن عبد الله (۱۴۱۸). *رحله*. بیروت: دارصادر.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵). *معجم البلدان*. بیروت: دارصادر.
- سهروردی، عمر بن عبدالله (۱۴۲۷). *عوارف المعارف*. قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.
- هروی، علی بن ابوبکر (۱۴۲۳). *اشارات الی المعرفه الزیارات*. قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.
- Rasool, Gholam (2009). *Chishti-Nizami Sufi Order Of Bengal*, Delhi.

Gull, Surayia (1999). *Development Of Kubraviya Sufi Order In Kashmir*,
New Delhi.